

کلاس ادبیات + مرواریدی در صدف + زندگی حسابی + فرزند انقلاب - صفحه ۸۶**#تاریخ ادبیات:**

علی اسفندیاری (نیمایوشیج): صفحه ۱۷۳ / نظم وفا: صفحه ۱۷۸ / فردوسی: صفحه ۱۷۷ / نظامی: صفحه ۱۷۸ / مولوی: صفحه ۱۷۸ / پروین اعتصامی: صفحه ۱۷۳ / محمدحسین شهریار: صفحه ۱۷۷ / حافظ: صفحه ۱۷۵ / سعدی: صفحه ۱۷۶ / کاظمی آشتیانی: صفحه ۱۷۷ کتاب درسی

#معنای لغات:

کلاس ادبیات: جاذبه: گیرایی (در جاذبه‌ی شعر غرق شد: جذب زیبایی‌های شعر شد) / تأثیر: اثر گذاشتن بر چیزی / برق: جذابیت و درخشش (برقی در عمق چشم‌های این نوجوان شهرستانی وجود دارد) / دستپاچگی: آشفته بودن، اضطراب / غرور: (در اینجا به معنی) اعتماد به نفس / مشتاق: علاقه‌مند / برمی‌خیزد: بلند می‌شود، می‌ایستد / حرارت: گرما / لحن گرم: صدای دلنشین / آرایش: زینت دادن / بی‌نظیر: بی‌عیب و نقص، بی‌مانند، بی‌همتا / رزق رُوحم: خوراک روح و جان (رزق: غذا، خوراک و روزی)

مرواریدی در صدف: کوشا: تلاشگر، ساعی / مراقبت: نگهداری، مواظبت / تجربه بیندوزد: تجربه کسب کند / شگفتی: تعجب، عجیب بودن / به شگفتی وامی‌دارند: سبب تعجب می‌شوند / برخی: بعضی / مرغک: پرنده‌ی کوچک / خُرد: کوچک / آشیانه: لانه، خانه‌ی حیوانات / آموز: بیاموز / حرکات: جمع حرکت / چمیدن: نرم و آهسته و با ناز راه رفتن / رام: مطیع و فرمانبردار / زمانه: روزگار / رمیدن: فرار، گریختن / مندیش: نیندیش، اندیشه مکن، فکر نکن / مردم چشم: مردمک چشم / شو: برو / آرمیدن: آسودگی، استراحت / شگفت انگیز: تعجب آور / تحسین: آفرین گفتن / نوابغ: (جمع نابغه) تیزهوشان / شاعره: زن شاعر / نظیر: مانند

زندگی حسابی: فقر: نداری / خاطرات: جمع خاطره / چیره: پیروز، غالب، مُسلط / طاقت: توانایی، قدرت / ناسپاسی: قدرشناسی / پروفوسور: دانشمند / فراغت: آسایش، آسودگی / پروا: ترس، هراس، بیم / واجبات: جمع واجب، بایدهای دینی / تلاوت: قرآن خواندن / آیات: جمع آیه / درک: فهمیدن / معانی: جمع معنی / وامی‌داشت: ترغیب می‌کرد / امور فنی: کارهای فنی (فنی: مربوط به فن و تخصص) / قطعات: جمع قطعه / پاسی: بخشی از زمان (پاسی از شب: دیروقت) / واردات: وارد کردن کالا از خارج کشور / شکوفایی: رشد / استقلال: اتکاء به خود، مستقل بودن / عشق می‌ورزید: علاقه داشت / معتقد بود: باور داشت / آراسته بود: زینت داده بود، زیبا ساخته بود / نوازشگر: (در اینجا به معنی) آرامش‌بخش / دیدگان رهگذران: چشمان عابران / مشتاقان: علاقه‌مندان / زنده‌دلان: انسان‌های عاشق و آگاه / مُلک: بزرگی، پادشاهی، عظمت کشور / وجود: هستی، جهان هستی / نیرزد: نمی‌ارزد، ارزش ندارد / بیازاری: آزار بدهی

فرزند انقلاب: شور: علاقه، هیجان / مختلف: گوناگون / می‌کوشید: تلاش می‌کرد / صدای دل‌نواز: صدای زیبا / تقریباً: حدوداً / خلوت: تنهایی / زمزمه می‌کرد: آرام می‌خواند / به حافظه سپرده بود: حفظ کرده بود / مُشاعره: مسابقه‌ی شعرخوانی / لبریز: پُر، انباشته / جبهه: جلوترین محل جنگ / دلیرانه: باشجاعت / روحیه داد: انرژی بخشید / مُعظّم: بزرگوار / پژوهشگر: تحقیق کننده، جست‌وجو گر / صالح: نیکوکار، درستکار / رویش: آنچه روییده / درخشان: روشن و نورانی / نوید: مژده، خبر خوش

#معنای شعر:

شعر پروین:

معنی بیت اول: ای پرنده‌ی کوچک، از آشیانه‌ات پرواز کن تا پریدن را یاد بگیری.

معنی بیت دوم: تا کی می‌خواهی رفتار کودکانه داشته باشی؟ زمان آن رسیده که در باغ و چمن، با ناز و غرور، پرواز کردن را یاد بگیری.

معنی بیت سوم: روزگار، هرگز مطیع تو نمی‌شود؛ بنابراین تو هم، رام و مطیع روزگار نباش، بلکه راه گریختن و مقابله کردن را یاد بگیر.

معنی بیت چهارم: تنها به گرفتاری‌ها و سختی‌های روزگار فکر نکن، بلکه راه درست اندیشیدن و مقابله کردن با آن سختی‌ها را یاد بگیر و تجربه کن.

معنی بیت پنجم: روزها به دنبال غذا و روزی خود باش و به هنگام شب استراحت کن (بخواب).

معنی تک بیت شهریار در وصف پروین اعتصامی: به درستی که پروین یکی از شاعران نابغه‌ی ادبیات فارسی است و در بین زنان شاعر فارسی تا به امروز مانند او نیامده است.

معنی بیت زندگی حسابی: ای سعدی، تو را به جان انسان‌های عاشق و شاد، قسم می‌دهم که (حتی) پادشاهی بر دنیای مادی، آن قدر ارزش ندارد که به خاطر آن، مردم را از خودت برنجانی و آزرده کنی.

#آرایه‌ها:

کلاس ادبیات: کلاس ساکت بود ⇨ کلاس ← مجاز از دانش آموزان کلاس / کلاس ساکت است ← جان‌بخشی / چشم دوختن ← کنایه از نگاه کردن / به خود می‌آید ← کنایه از اینکه حواسش جمع می‌شود / دست‌های لرزان ← کنایه از اضطراب و دلهره / سر به زیر دارد ← کنایه از تواضع و ادب و خجالت / لحن گرم ← حس آمیزی / دلم می‌خواهد سرت را بالا بگیری ← کنایه از اینکه خجالت نکشی

مرواریدی در صدف: مرواریدی در صدف ⇨ مروارید ← استعاره از پروین اعتصامی + صدف ← استعاره از پدر پروین / همچون مرواریدی در صدف ← تشبیه / ای مرغک ← جان‌بخشی / مرغک، آشیانه، پرواز، پریدن ← تناسب (مراعات نظیر) / دام ← استعاره از مشکلات و گرفتاری‌ها / آب و دانه ← استعاره از رزق و روزی + مراعات نظیر / روز و شب ← تضاد

زندگی حسابی: در برابر دشواری‌ها بایستد ← کنایه از مقاومت و تحمل کردن / پروایی نداشت ← کنایه از اینکه ترسی نداشت، خجالت نمی‌کشید / دل‌بستگی ← کنایه از علاقه و محبت داشتن / بیت سعدی ← واج آرایی «ز»

فرزند انقلاب: پشت سر نگذاشته بود ← کنایه از اینکه سپری نکرده بود / ذهن او لبریز از سرودها بود ← کنایه از اینکه بسیار حفظ بود / چشم از جهان فروبست ← کنایه از فوت کرد، مُرد /

#تکات_دستوری:

بیت اول: مرغک ← منادا / مرغک ⇨ ک ← تحقیر / آشیانه ← متمم / پریدن آموز ⇨ پریدن ← مفعول

نوع نثر: ساده و روان

قالب شعر: قطعه

#خود_ارزیابی:

- ۱- به او کتابی هدیه داد و از او خواست تا برایش از شعرهای خودش بخواند.
- ۲- علاقه‌مندی به قرآن، تلاش برای آبادانی کشور، خستگی‌ناپذیری
- ۳- چون اندوخته‌ای که به کار نیاید، مانند ذخیره‌سازی بی‌نتیجه و فایده‌ی غذاست و آخر هدر می‌رود.